

بسم الله الرحمن الرحیم

سیستانا

مجموعه‌ای از ترانه‌ها و دوبیتی‌های سیستانی



به کوشش و اهتمام

دکتر محمد رضا بهاری

استاد زبان و ادبیات فارسی عضو هیأت علمی دانشگاه

سرشناسه: بهاری، محمدرضا، ۱۳۳۳
عنوان و نام پدیدآور: سیستانا؛ مجموعه‌ای از ترانه‌ها و دوبیتی‌های
سیستانی/ به کوشش و اهتمام محمدرضا بهاری.
وضعیت نشر: زاهدان، محمدرضا بهاری، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۲۵۶ صفحه.
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۹۲۷۸-۹
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: موسیقی محلی ایرانی -- سیستان
موضوع: شعر سیستانی -- مجموعه‌ها
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ س۹ ۸۶ب/۱۸۲۰ M
رده‌بندی دیویی: ۷۸۹/۹۷۴
شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۶۹۴۵۶

سیستانا

مجموعه‌ای از ترانه‌ها و دوبیتی‌های سیستانی

به کوشش و اهتمام:
دکتر محمد رضا بهاری

ناشر: مؤلف

طرح و خط روی جلد: استاد علی پیران
صفحه‌آرایی: فاطمه زهرا سلیمانی
لیتوگرافی: گویا سکتر؛ چاپ: کامیاب
نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۳؛ ۲۵۶ صفحه؛ وزیری
شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۴-۹۲۷۸-۹
قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

امور فنی و آماده‌سازی: نشر مردنیز
تلفن: ۰۵۱۱-۷۲۷۴۷۶۵ دورنگار: ۰۵۱۱-۷۲۵۱۳۰۳

پیشگفتار

به وقت به ترازوی ملی گوش فراوان آن‌ها سرشاری بی پایان گفتارین ملودی‌های باشد و چشم‌های تراز به منات شخصی مل‌کون‌کون بازی‌کنند.

دشمن،

زیربنای فرهنگ و تمدن هر ملتی، زبان آن ملت است و زبان هر ملت در سه بخش تجلی می‌کند: لغت، نثر، شعر. همین سه بخش است که ادبیات هر قوم و ملتی را تشکیل می‌دهد؛ یعنی آنچه می‌گویند، آنچه می‌نویسند و آنچه می‌خوانند.

ترانه‌ها و دوییتی‌های محلی را می‌توان مرحله‌ی ابتدایی شعر و موسیقی دانست. گویا مردمان اولیه که حس الحان و اوزان را داشته‌اند، برای بیان احساسات خود این سبک ساده و بی‌تکلف را اختیار نموده‌اند. ملت یا قبیله‌ای وجود ندارد که از این نوع تراوش هنری بی‌بهره باشد. سرچشمه‌ی این نوع سرودهای عامیانه بسیار قدیمی، هم‌زمان با نخستین تراوش‌های معنوی بشر است. از آنجا که حس هنر و زیبایی در انحصار طبقات عالی و تربیت‌شده نیست، نابغه‌های ساده‌ای نیز وجود دارند که در محیط‌های ابتدایی توگلد یافته، احساسات خود را بی‌تکلف با تشبیهات ساده به شکل آهنگ‌ها، ترانه‌ها و دوییتی‌های عامیانه بیان می‌کنند. گاهی به قدری ماهرانه از عهده‌ی این کار برمی‌آیند که اثر آن‌ها جاودانی می‌شود. این نابغه‌های گمنام مؤلفین ترانه‌های عامیانه می‌باشند.

ترانه‌ها، دوییتی‌ها، آوازاها، متل‌ها و افسانه‌ها نماینده‌ی روح ملت‌ها می‌باشند؛ این تراوشات، صدای درونی هر ملتی است. اغلب این آثار توسط افراد تقریباً باسواد یا نیمچه باسواد سروده شده، ترانه‌ها و دوییتی‌های عامیانه را می‌توان به آسانی از حیث مضمون، سبک و روحیه‌ی گوینده از سایر آثار موسیقی یا شعری تشخیص داد. هیچ ترانه‌ی



عامیانه‌ای وجود ندارد که گوینده‌ی آن شناخته شود، نه تنها اسم مصنف، بلکه اغلب محل و زمان تقریبی آن نیز مجهول می‌باشد. هیچ چیز به اندازه‌ی ترانه‌ها و دوبیتی‌های عامیانه محل و تاریخش مجهول نیست.

مردمانی که دوبیتی و ترانه‌های عامیانه را سروده‌اند، مردمانی گمنام‌اند که به واسطه‌ی یک نوع احتیاج مرموز این اشعار حقیقتاً بی‌مرگ را سروده‌اند، از طبقه‌ی عوام و ایجادکننده‌ی هنر عامیانه، در این که نابغه بوده‌اند شکی نیست، لکن گاهی سستی نموده قوانین عروض و قافیه را مراعات نکرده‌اند. چون محرک دیگری به جز میل غریزی خود نداشته همه‌ی تشبیهات و استعارات خود را از محیط ابتدایی و احساسات بی‌تکلف خود گرفته‌اند. تاکنون یک نفر از آن‌ها شناخته نشده است. هر چه می‌خواهد باشد، این شعرای گمنام و طبیعی در عین حال که قادر بوده‌اند زیبایی‌ها و لطافت‌های موشکافی را به رشته‌ی نظم در بیاورند، سستی و سهل‌انگاری نیز در آثار آن‌ها ملاحظه می‌شود. ترانه‌های محلی که عموماً به زبان بومی سروده شده یا دوبیتی‌هایی که در اغلب ولایات ایران وجود دارد از این دست می‌باشند. این ترانه‌ها و دوبیتی‌ها روزگاران بسیار طولانی را طی کرده، سینه‌به‌سینه انتقال یافته و فقط توسط سنت ملی و حافظه، بدون هیچ گونه وسیله‌ی تصنعی، حتی معمول‌ترین آن‌ها یعنی نوشتن، حفظ و نگهداری گردیده است.

برگزیده از کتاب نوشته‌های برانده اثر صادق بیاضی ۱۳۴۴، بخش ترانه‌های عامیانه، ۳۵۲-۳۴۴

من نیز بر این باورم که سروده‌های عامیانه‌ی مردم، در عین سادگی و بی‌پیرایگی شیرینند و دلکش، برخوردار از رمز و رازهای عاشقانه و عارفانه، سرشار از اندیشه‌ها و حکمت‌های ناب و پاک و صمیمی، لطف و رقت و بهره‌مند از عواطف والای انسانی. آنچه مضمون بسیاری از این سروده‌ها را دربرمی‌گیرد، گرانی فراق محبوب است و شوق آرزوی رسیدن به جانان، که این نمود در ترانه‌ها یا به گویش محلی «سیتک»‌های سیستانی دوصد چندان است، به گونه‌ای که گاهی گذشت روزهای یک ماه فراق، و سنگینی اندوه این ایام بدین گونه در اشعارشان جلوه گر می‌شود:



امروز و دوروز و بیست‌وپنج روز و سه روز باریک شده‌ام چو سوزن مخمل‌دوز
سوزن را بیار و چشم‌هایم را بدوز تا کور شوم نبینم شب و روز

۱

Emrozo do rozo bisto panj rozo sa roz

Bârik šodao čo suzane maxmaldoz

Suzan ra beyâr o čašhâym râ bedoz

Tâ kor šavam nabinam šabo roz

در فرهنگ دلبستگی‌ها خاصه‌ی فرهنگ سیستانی، خنده بی گل جمال جانان مفهومی ندارد و خانه، بی رایحه‌ی حضور دل‌انگیز محبوب قابل تحمل نیست.

۲

امروز، دو روز است که یارم رفته خنده ز لب و گل از کنارم رفته
خشت‌های سرا، اگر جواهر گردند بیزارم از آن سرا، که یارم رفته

2

Emroz do roza ke yâram rafta

Xanda ze labo gol az kenâram rafta

Xeštaye srâ agar javâher gardand

Bezâro azo srâ ke yârm rafta

اشعار عامیانه، آئینه‌ی روح و اندیشه‌ی مردم است و ترجمان احساسات پاک و صمیمی آن‌ها. این اشعار با تصاویر و تشبیهات ساده، محسوس، دلپذیر و خوش‌آهنگ، در خلوت خانه‌ی ذهن مردم کوچه و بازار، رنگ می‌گیرد و بر زبان‌ها زمزمه می‌شود. درونمایه‌ی بسیاری از این سروده‌ها، خیال است و تلاش در گریز از محدودیت‌ها، ناکامی‌ها، نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و محرومیت‌های گوناگون. غم غربت، آرزوی دیدار، عهد و پیمان‌های بسته‌شده، قسم‌ها و سوگندهایی که به سعایت و سخن‌چینی و حسادت این و آن به وصال نیانجامیده و گل‌های شاداب باغ عشقی که با بارش ابر دیدگان،



باطراوت و خوشبو گشته، ولی به دلیل نادانی یا غرور بی جا یا حُب جاه و مال یا سخت گیری های پدران و مادران و درگیری های اقوام و خویشان این رشته های مُجَبَّت نابود گردیده و به هجران، گسسته شده. چه گونه های سُرخِی که همچون کاه روی دیوار زرد و بی رنگ گشته و چه ناله های دلشُدگانی که جام وجودشان، از اشتیاق باز گشت یار کُالب گردیده با این آرزو و تمنی که یک بار دیگر محبوب باز ردد و شاخه ی خشکیده ی درخت وجودشان دوباره سبز شود.

۳

به قُربونت بگردم یار، برگرد ببوسم دَست و پایت، یار برگرد
اگر مِه^۱ کودک و چیزِ نمَقَهْمُو^۲ برای خاطرِم یَگبار، برگرد

۱. مِه: من ۲. نمَقَهْمُو: نمی فهمم

3

Be qorbanat begardam yâr bargard
Bebusam dasto payat yâr bargard
Agar me kudako čize nmefamo
Barâye xâteram yagbâr bargard

یا

۴

جانانه ی اَرَق و بَرَق^۱، تو کی می آیی ای دخترِ شهرِ بَرَق^۲ تو کی می آیی
خود گفته بودی که وقتِ گُل می آیی^۳ گُل آمد و بگذشت، تو کی می آیی

۱. اَرَق و بَرَق: زیبا ۲. بَرَق: زیبا ۳. می آیی: می آیم

4

Jânânye arqoo barq to ke miâi
Iy doxtar šar baraq to ke miâi
Xod gofte bodi ke vaqte gol miâyo
Gol âmado beygzašt to ky miâi